

مانند!



منابع علمی استفاده می کنید؟

تجربه چندین و چند ساله خودم از ارتباط مستقیم با بچه‌ها، من هنوز با بچه‌ها به اردوهای سفری و تفریحی می‌روم. نسخه اول فیلم نامه‌ام را ابتدا برای بچه‌ها می‌خوانم و با توجه به بازخوردها و بحث‌هایی که میان‌شان شکل می‌گیرد، خط به خط را تصحیح و بازنویسی می‌کنم. برای من مهم این است، مضامینی را که در زیر متن داستان به کار برده‌ام توسط بچه‌ها درک شود که خوشبختانه در همان بازخوردهای اولیه متوجه شدم بچه‌ها به خوبی مفاهیم را درک کرده‌اند.

چه مضامین یا مفاهیمی را در فیلم‌های خود مدنظر دارید؟

در فیلم آهوی پیشونی سفید، شهرگره‌ها و تورنادو، اولین دغدغه‌ام این بوده که به بچه‌ها آموزش دهم که خدا همیشه هست و اگر در شرایط سخت به خدا تکیه کنید، کمک‌اش را به وفور در زندگی احساس خواهید کرد. اوج قصه من جایی است که شخصیت در بدترین شرایط خدا را صدا می‌زند. این دغدغه ناشی از آن است که احساس کردم خدای واقعی در ذهن بچه‌ها وجود ندارد. بچه‌هایی که پدر و مادرشان اصلا در خانه نماز نمی‌خوانند و نامی از خدا در خانه‌شان برده نمی‌شود و اصلا در تنگنا گیر نمی‌کنند که یاد خدا کنند. از نظر من در عصر حاضر خدا مظلوم‌ترین موجود زندگی امروز بچه‌های دهه ۸۰ و ۹۰ است. من مفاهیم نابی چون خداپرستی را در لایه‌ای از ریتم‌های شادی آور به بچه‌ها معرفی می‌کنم. دغدغه دوم این بوده است که بچه‌ها خیر و شر را بشناسند. در فیلم شهرگره‌ها گفته‌ام که بچه‌ها، شر آن نیرویی است که شما را از وطن خود ناامید کند و شما کشور خودتان را ترک کنید و جالب است برای من که این فیلم در حال حاضر توقیف شده است! شهرگره‌ها یعنی اینکه در هر جای دنیا که باشی جز با علم اندوزی به سعادت نمی‌رسی. در تورنادو ۲ من مفهوم دفاع مقدس و منجی شدن برای نجات دیگری را نشان داده‌ام. دغدغه نهایی من شادی بچه‌ها بوده است، اما در نگاهی بی‌انصافانه متهم به این می‌شوم که فیلم‌هایم رقص را به بچه‌ها آموزش می‌دهد. در مجموع من حتی حاضر خانم را برای بدهی فیلم‌هایم بفروشم، اما بچه‌ها این مضامین را یاد بگیرند و شاد زندگی کنند. از طرف دستگاه‌های دولتی به بنده ساخت فیلم‌هایی پیشنهاد می‌شود، که از نظر من نه تنها تاثیری در تربیت بچه‌ها ندارد، بلکه دنیای آن‌ها را کدر و تاریک می‌کند. ناچار هستم که در همان ابتدا ساخت این فیلم‌ها را رد کنم. به همین خاطر است که فیلم تورنادو در رسانه تلویزیون درجه ۳ اعلام می‌شود و به آن تنها ۱۰ الی ۱۳ تیزر تبلیغاتی اختصاص می‌گیرد. آن هم در یک زمان نامناسب! وقتی می‌پرسم چرا؟ پاسخ می‌دهند محتوا، یعنی تلویزیون محتوای فیلم من را نمی‌پسندد. این نشان می‌دهد منویات من با ذهنیت تلویزیون هم سو نیست. متأسفانه مدیران جدید این رسانه سفارش‌هایی دارند که تصور می‌کنم اصلا متوجه هنر نیستند. شاید دوستان قائل به این نظر باشند که در هر ساختاری مدیریت مهم است، اما از نظر من مدیریت هنری بر مدیریت اجرایی دارد. مدیر هنری باید هنر را بشناسد، به همین خاطر در تلویزیون تولیداتی را شاهد هستیم که مخاطب ندارند.

آیا تا به حال با نوعی بی‌عدالتی در ممیزی‌ها و جبهه‌گیری از طرف دستگاه‌های نظارت مواجه شده‌اید؟

بله، طوری که مطمئنم که اگر شهرگره‌ها را هر کس دیگری به جز سیدجواد هاشمی می‌ساخت، هرگز توقیف نمی‌شد. در تجربه قبلی بنده، ۲۳ هزار نفر امضا کردند که فیلم من از پرده‌اکران خارج شود! چون من آن را ساخته بودم، از من می‌خواهند شهید سینما باقی بمانم و فیلم کودک نسازم یا اگر می‌سازم، فیلمی باشد که در آن مداحی و ... وجود داشته باشد. به همین دلیل همچنان در تلاش‌های مضاعف هستند که ساخته‌های من روی پرده نرود و یا از تلویزیون پخش نشود، در حالی که محصولات والت دیزنی در همان شبکه‌ها پخش می‌شود. بی‌عدالتی بدتر از این را نمی‌توان در جایی سراغ گرفت. همین طور در پخش تیزرهای دو فیلمی که هر دو مجوز ساخت و پروانه نمایش گرفته‌اند اعمال سلیقه‌هایی سلطه‌جویانه می‌کنند. همه می‌دانند که تلویزیون از بودجه بیت‌المال تامین می‌شود و این اعمال سلیقه‌ها در امتیاز دادن‌ها به دو فیلم که همزمان روی پرده‌اکران هستند، قطعاً دور از عدالت است. در حال حاضر بیشترین تبلیغات تلویزیونی به لوپتو اختصاص داده شده است، در حالی که اصلا خانواده‌ها و کودکان نمی‌دانند جزیره فضایی تورنادو ۲ روی پرده سینماها است. با این وصف تورنادو ۲ در ردیف چهارم جدول فروش فیلم قرار دارد. کما اینکه معتقدم اگر تلویزیون عدالت را در پخش تیزر تورنادو ۲ رعایت می‌کرد، فروش این فیلم مرز ۲۰ میلیارد را رد می‌کرد.

ام بوده و هنوز هم فکر می‌کنم در سمت یک کارگردان و یا نویسنده هنوز معلمی هستم که بیشترین نیازم، پرورش روح و فکر بچه‌هاست. زمانی پرده تماشگرانه زندگی من تخته سیاهی در کلاس بوده و حالا پرده سینماست. حالا پرده سینما احساس می‌کنم از یک کلاس چهل نفری وارد یک کلاس چهل میلیون نفری شده‌ام و بیشترین لذت برای من این است که بعد از این همه سال هنوز پیشونی سفید دانلود می‌شود و بچه‌ها به تماشایش می‌نشینند. اینکه در خیابان بچه‌ها مرا می‌شناسند و دوستم دارند بسیار برایم ارزشمند و پراهمیت است. به همین خاطر است که دیگر این بدهکاری‌ها و مرارت‌ها به چشم‌ام نمی‌آید. چرا که کار در حوزه کودکان، اولویت و ارجمیت من در زندگی است.

ارزیابی شما از سینمای امروز ایران چیست؟

سینمای امروز ما به شدت نادر و بدبخت است و همین باعث بی‌اخلاقی‌های زیاد در این حوزه شده است. این که می‌شنویم نقش‌فروشی و یا پولشویی در فیلم‌ها اتفاق می‌افتد، همه واقعی است. با اینکه من به هیچ عنوان به این کارها معتقد نیستم اما بعضاً می‌بینم که برای تهیه‌کنندگان راهی به جز این باقی نمانده است. به خصوص سینمای کودک که در ابتدا در اقتصادش دچار نابودی می‌شود و در وهله بعدی در بی‌تدبیری مسئولین تصمیم‌گیرنده‌ای که در ارتباط با فرزند خود هم دچار مشکل هستند.

برای رسیدن به فیلمنامه‌ای که مطلوب کودکان باشد، از چه

مانند خانواده‌ها هم تعمیم داد؟

بله متأسفانه پدر و مادرها هم طبق آموزه‌های غلط اجتماعی با کودکان خود ارتباط می‌گیرند، دهه ۶۰ آخرین دهه‌ای است که تقریباً دارای یک فوندانسیون فکر شده بود، اما بعد از آن دهه ۷۰ و همینطور بعد از آن آموزه‌ها به صورت غلط و با ندانم‌کاری‌های بیشتری همراه بوده است. متأسفانه در دهه‌های اخیر که خوراک اصلی کودکان این دوره شکل می‌گرفت، به دنبال کارهای مصنوعی و مسخره بازی‌های نمایشی بوده‌ایم. به همین خاطر فیلم‌های بالای جدول فروش سینمایی ما، تولیداتی هستند که موفق شده‌اند مسخره بازی بیشتری در بیاورند. استفاده از بازیگران توانمند و شایسته ما که در فیلم‌های مفهومی درخشیده‌اند در این قامت به وفور دیده می‌شود. همین باعث شده است که تهیه‌کنندگان ما هم به دنبال ساخت فیلم کم‌مدی باشند، که متأسفانه کم‌مدی هم نیست. فیلم‌هایی که بر اساس فیلم‌نامه ساخته نمی‌شوند و بیشتر جوک‌نامه هستند، چرا که تنها مبتنی بر استفاده از طنزهای بی‌محتوای کلامی نوشته شده‌اند. جوک‌نامه واقعی زندگی امثال من است که بدهکاری همیشه هستیم. سال‌هاست در حال جبران مافات ۸ فیلم سینمایی هستیم که ساخته‌ام. در حال حاضر به عنوان یک بدهکار مالی در مقابل شما نشسته‌ام.

با این حال ساخت فیلم برای کودکان برای تان دغدغه است و این مسیر را همچنان ادامه می‌دهید؟

خب، ۳۰ سال است معلم بچه‌ها هستم، معلمی همواره دغدغه